

خشت و آینه

سینا علی محمدی

محموداکرامی:

سرمايه گذاري فرهنگي

محمود اکرامی را همه با شعر یا علی گفتیم و عشق آغاز شد می شناسند اکرامی درباره وضعیت شعر جوان امروز و ضرورت توجه به این نسل معتقد است:

امروز ما یکی از درخشان ترین دوران را در شعر جوانمان داریم. در هیچ عصری از تاریخ ما، شعر جوان مثل امروز شعری مثبت نگر، بالنده، قوی و پویا نبوده است. شعر جوان امروز از نظر محتوا، ارزش محور و زندگی نگر است. از نظر قالب نیز شعرهای خوبی در دو قالب کلاسیک و نو داریم و از نظر تعداد هم شاعران جوان زیادی به فعالیت مشغول اند؛ بنابراین از نظر کمیت، کیفیت، قالب و محتوا شعر جوان قابل قبول و خوبی داریم. فکر می کنم همیشه شعر جوان است که بر اثر گذر زمان و حرکتی که شاعر دارد، به عنوان شعری غنی، آینده خود را نشان می دهد؛ بنابراین پرداختن به شعر جوان، سرمايه گذاري فرهنگي است. اگر امروز به شعر و شاعران جوان توجه کنیم، دویست سال آینده جریان شعری پخته ای خواهیم داشت که به تولیدات فرهنگی جامعه می تواند کمک کند.

از آنجا که انسان جوان، انسانی دگراندیش، نوجو و نوحواه و با نگاهی نو و خلاق است و شاعر نیز به دلیل ویژگی های شخصی و خیالی که دارد، خلاقیت و نوجویی اش بیشتر خواهد بود؛ پس اگر این جریان تقویت و به آن بها داده شود، شاعران خوبی در آینده خواهیم داشت.

اگر بخواهم به آسیبی در این زمینه نیز اشاره کنم باید بگویم شاعر و شعر را به عنوان ابزار می نگریم. اگر این نگاه ابزاری عوض شود، شاعران خوبی

همه چیز از دیدار شاعران بارهبر معظم انقلاب شد و نکته ای که رهبری در باب توجه به شاعران جوان و نقد آثار ادبی فرمودند. هنگامی که شاعران جوان شعرها و به ویژه غزل هایی خلاقانه و سرشار از مفاهیم غنی خود را خدمت رهبر انقلاب خواندند ایشان بی درنگ توجه به این نسل را امری مهم دانستند.

واقعیت این است اگر به دهه های مختلف شعر فارسی در چهل، پنجاه سال اخیر نگاهی حتی گذرا نیز داشته باشیم درمی یابیم که در هر دهه شاعرانی جوان به همت پیش کسوتان معرفی شده اند و مورد حمایت نهادهای مختلف قرار گرفته اند اما اگر به وضعیت شعر در دهه هفتاد و حتی همین دهه هشتاد نیک بنگریم متوجه خواهیم شد که اگرچه شاید به لحاظ آمار جشنواره و کنگره رشد بسیاری داشته ایم اما واقعاً در دهه گذشته چند شاعر جوان که امروز نیز به صورت جدی فعالیت کنند به جامعه ادبی معرفی شد و اصلاً چرا اکثر شاعران جوان ما و به ویژه شاعران نوپرداز دهه هفتاد به اعتقاد کارشناسان و منتقدان به انحراف کشیده شدند.

عوامل متعددی را در این زمینه می توان ذکر کرد از عدم توجه به شعر جوان، نقد نشدن جریان های انحرافی، وضعیت آشفته بازار انتشار و توزیع و پخش کتاب های شعر گرفته تا حتی انتقاد به پیش کسوتان شعر و ادب که نسل جوان را به فراموشی سپردند. آنچه که در ادامه می خوانید گفت و گوهایی کوتاه است که در زمینه توجه به شعر جوان با شاعرانی از نسل های مختلف انجام شده است و هریک از دریچه نگاه خود این موضوع را مورد بررسی قرار داده اند.

خواهیم داشت که به تولیدات ادبی ما کمک می‌کنند و به بالندگی ادبیاتمان منجر می‌شوند.

گاهی ما به شاعر و گاهی به شعر توجه می‌کنیم؛ اما امروز عصری است که هم باید به شعر جوان و هم به منزلت شاعران جوان توجه کرد. نباید به شاعر به‌عنوان کسی نگریست که محفل ما را گرم می‌کند؛ بلکه باید او را به‌عنوان کسی که باعث رونق فرهنگی می‌شود، نگریست؛ چراکه شعر دستاوردی فرهنگی است.

نکته دیگری که به ذهنم می‌رسد وضعیت نقد ادبی و به‌ویژه نقد شعر است که اصولاً بازار نقد در ایران بازار سیاه است. ما در بازار نقدمان با چند آسیب مواجهیم؛ یکی اینکه تعریف درستی از نقد نداریم. نقد یعنی نشان دادن نقاط قوت اثر، یعنی جدا کردن پول‌های درست از تقلبی، و در این صورت است که ما فضای ادبی خوب و زیبایی خواهیم داشت؛ ولی امروز نقد را به‌عنوان عیب‌جویی تعریف کرده‌ایم، که نتیجه‌اش تکثیر بدی‌هاست.

مرتضی امیری اسفندقه:

نقد شعر جوان را جدی بگیریم

واقعیت این است که در عرصه هنر و ادبیات هیچ چیز مهم‌تر از توجه به هنر، شعر، نقاشی و... جوان نیست؛ زیرا اگر استعدادی در میان جوانان باشد و ما نتوانیم این استعداد را کشف کنیم، خود را از داشتن یک هنرمند بزرگ محروم کرده‌ایم. برای داشتن یک شاعر بزرگ باید جوانان مستعد امروز را پرورش دهیم، که پیش‌کسوتان بزرگ امروز همان جوانان مستعد دیروز هستند انتشار آثار و معرفی هنرمندان و شاعران جوان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی روند رو به رشدی داشته است و این روند می‌تواند رو به تعالی و تکامل گام بردارد.

نبايد فراموش كنيم كه نعمت هنر كه از سوي خداوند به بندگانش بخشیده شده از بالاترین نعمت‌هاست و ما می‌توانیم توجه بیشتری داشته باشیم و بر انتشار آثار جوانان با توجه و تأمل علمی اصرار کنیم، تا با این توجه، بر رونق و تعالی انتشار آثار جوانان بیافزاییم.

در همین راستا فکر می‌کنم اگر جوانان مستعدی را که واقعاً در هنر ریشه‌ذاتی دارند، معرفی و کارشان را منتشر نکنیم و اگر این جلوه خدادادی که در جان جوانان است، به رخ کشیده نشود، قطعاً سرخوردگی به وجود خواهد آمد.

اگر آثار شاعران جوان منظم و مستمر منتشر شود و با نقد شعر آن در زمینه شعر جوان شاهد افق‌های روشن‌تری می‌توان بود.

علی رضا طباطبایی:

مافیای پخش و شعر جوان

برای حمایت از شعر جوان، اول از همه باید چارچوبی برای شناخت شعر داشته باشیم؛ اگرچه اعتقاد داریم شعر تعریف‌ناپذیرترین هنر است. از آغازی که شعر فارسی شکل گرفته، تعاریف متعددی برای شناخت کیفیت شعر ارائه شده؛ اما هیچ‌گاه تعریف جامعی که مورد تأیید اهالی هنر و به‌خصوص شعر باشد، مطرح نشده است.

در روزگاری که ایده‌ها و دیدگاه‌های مختلف به شکل‌های مختلفی ارائه می‌شوند، اول باید تکلیف خود را با شعر مشخص کنیم که کدام مورد نظرمان است و کدام قالب‌ها و محتوای شعری را در نظر داریم. بعد که تکلیف تعیین کردیم، درباره حمایت از شعر و به‌خصوص شعر جوان راهکارهایی ارائه دهیم.

ای کاش بیابیم منهای تنگ‌نظری‌ها و خودشیفتگی‌ها، راه‌های حمایت از شعر، به‌خصوص شعر جوان را مورد نظر قرار دهیم. باید مؤسساتی داشته باشیم که تعدادی از کارشناسان آگاه و روشن‌بین که روح زمانه‌مان را می‌شناسند و با کلام فارسی آشنایی دارند، همچنین به شیوه‌ها و سبک‌های ادبی آگاهی دارند و نیاز جامعه بشری و قوم ایرانی را مورد نظر قرار می‌دهند، در آن جمع شوند و برای ترویج آثار و شعر ناب روزگار، که نه تحت تأثیر فرهنگ وارداتی غرب و نه رونویسی از ترجمه‌ها و ایده‌های غربی است و نه در عین حال در چارچوب سنت‌های ما محبوس است و آمیزه‌ای از این‌هاست، تلاش کنند. این افراد آن شعر را مورد تأیید قرار دهند و برای نشر آن امکاناتی را فراهم کنند و محیطی فراهم آید که آرا و نظریات مختلف جمع شوند و برای بالندگی شعر تلاش کنند.

یکی از مشکلات شعر امروز، به‌خصوص شعر جوان، در انتشار و پخش و معرفی آثار شاعران جوان است به گونه‌ای که کتاب‌های زیادی هستند که ارزش خواندن و مطرح شدن دارند؛ ولی چون از سوی مافیای پخش مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند، در دسترس قرار نمی‌گیرند و بیشتر روی آثاری تبلیغ می‌شود که در محدوده منافع همان مافیای پخش‌اند.

اگر می‌خواهیم شعر جوان ما به جایگاهی برسد باید ابتدا زمینه انتشار، معرفی و پخش آثار آن‌ها را فراهم کنید.

سعید بیابانکی:

انتشار را محدود کرده‌ایم

شود. چیز دیگری که وجود دارد، این است که شاعران معمولاً منتقدان خوبی نیستند. البته غیر از چند نفری که باید از این قاعده مستثنا کرد؛ بقیه شعر را با سنج‌ها و معیارهای خود می‌سنجند؛ اما باید دانست کسی که منتقد خوبی است، لزوماً شاعر خوبی نیست و یا برعکس.

ولی نکته‌ای که نباید فراموش شود این است که توجه و پرداختن به شعر جوان، چه در زمینه انتشار و چه در زمینه نقد، برای پیشرفت آن اهمیت فراوانی دارد و باید بیش از این‌ها به شعر جوان توجه داشته باشیم.

هادی منوری:

کاش شعر هم ورزش بود

اگر دنبال راهی برای حل مشکل انتشار آثار شاعران جوان هستیم این است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید از اولین آثار آن‌ها حمایت کند. شاعران جوان به شکل ماهوی در انتشار آثارشان با مشکل مواجه‌اند. ارگان‌های دولتی بهتر است کسانی را که در ابتدای کارند و شناخته‌شده نیستند، شناسایی و حمایت کنند، تا آثار شاعران جوان منتشر شوند.

یکی از ویژگی‌های شعر جوان ما جوان بودن آن است و این جوان بودن مشخصه‌های ذاتی خود را دارد. یکی از آن مشخصه‌ها شتاب‌زدگی است که این موضوع مقتضای این نوع شعر است. این شتاب‌زدگی وقتی وارد نقد می‌شود، شتاب بیشتری می‌گیرد؛ بنابراین با شتاب‌زدگی بیشتری در شعر جوان مواجه‌ایم.

از طرفی دیگر در میان بعضی از پیش‌کسوتان نگاه مثبتی نسبت به شعر جوان وجود ندارند و گاهی حتی آن را انکار می‌کنند. جوانان شاعر هم که می‌خواهند از این شعر دفاع کنند، راه دفاع از آن را بلد نیستند. عده‌ای دیگر هم سواد ندارند و می‌خواهند از این شعر دفاع کنند که بدتر به آن صدمه می‌زنند.

همیشه هنگامی که به ورزش نگاه می‌کنم اهمیت و نقش پیش‌کسوتان برایم تداعی می‌شود چقدر خوب بود که در ادبیات هم این موضوع رعایت می‌شد. یک پیش‌کسوت ورزشی در مسابقه دو جهانی شرکت نمی‌کند و یا یک نفر که شصت سال سن دارد، در فوتبال مسابقه نمی‌دهد. کاش در ادبیات هم این موضوع رعایت می‌شد و پیش‌کسوتان ما نقش مربی را رعایت می‌کردند؛ اما متأسفانه پیش‌کسوتان ما هنوز در مسابقات شرکت می‌کنند و می‌خواهند تریبون دستشان باشد و این‌گونه به شعر جوان لطمه می‌زنند.

بهزاد خواجهات:

سهل‌انگاری در شعر جوان

شعر امروز عرضه نمی‌شود، و وقتی شعر عرضه نشود، دیده نمی‌شود و در نتیجه بازاریش نیز گرم نخواهد شد. متأسفانه شعر جوان نیز به‌عنوان جزئی

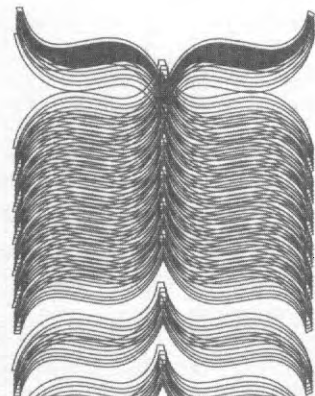
وقتی صحبت از شعر جوان می‌شود باید دید این جریان و این نسل چه آثاری را تولید کرده است و برای این بررسی نیاز به آثار منتشر شده آن‌ها داریم اما متأسفانه ما عادت کرده‌ایم که فقط انتشار را در سطح کتاب در نظر می‌گیریم، که انتشار شعر جوان به این شکل در کشورمان خیلی هم موفق نبوده است.

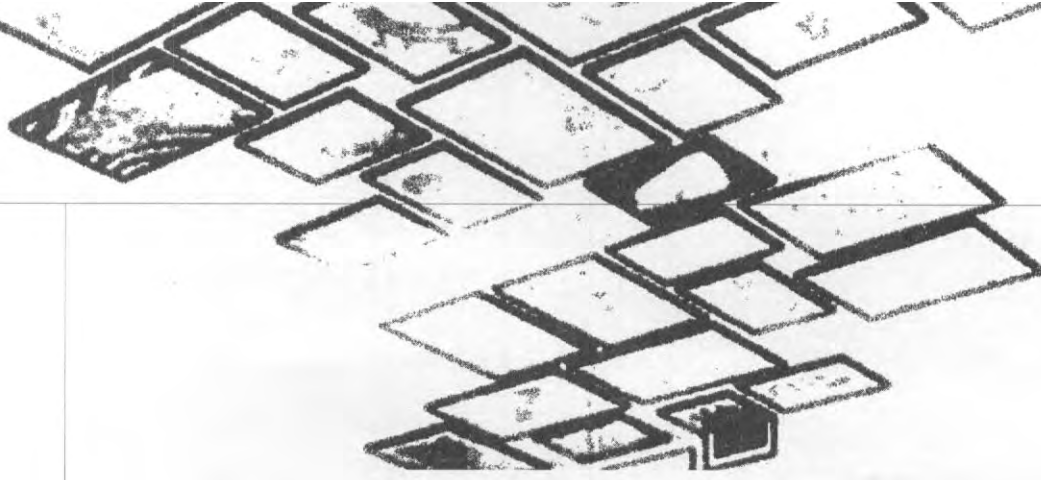
در انتشار آثار راه‌های متعددی وجود دارند، که یکی از آن‌ها، به‌صورت کتاب است؛ راه‌هایی چون انتشار در مجلات یا به‌صورت موسیقی و یا انتشار به‌صورت پوستر و قالب‌های صوتی هم از جمله این راه‌ها هستند؛ اما فقط شکل اول را در نظر گرفته‌ایم که همان‌طور که قبلاً گفتیم در کشور ما چندان موفق نیست؛ زیرا انتشار کتاب باید حتماً توسط ناشر صورت گیرد. ناشر هم جاهایی سرمایه‌گذاری می‌کند که باز خورد اقتصادی داشته باشد و درباره شعر جوان این موضوع جواب نمی‌دهد.

بعضی از ناشران می‌گویند که خود شاعر جوان باید سرمایه‌گذاری کند و ما توزیعش را بر عهده می‌گیریم، بعد هم کتاب توزیع نمی‌شود و این موضوع در روحیه شاعر جوان تأثیر می‌گذارد. اگر هم ناشری با سرمایه خود اثر شاعر جوانی را منتشر کند، در سیستم توزیع به مشکل برمی‌خوریم و کتاب به اهلیش نمی‌رسد.

فکر می‌کنم در انتشار شعر جوان نباید خیلی تعجیل کرد. حداقل باید ده سال از عمر ادبی شاعری بگذرد، ابتدا باید در جاهایی دیگر آثارش را منتشر و نزد مخاطب مقبولیت ایجاد کند و بعد از آن آثارش را به‌صورت کتاب به چاپ برساند.

اما درباره نقد نیز معتقدم نقد ابزاری است که یک اثر هنری را صیقل می‌دهد و سره و ناسره را مشخص می‌کند؛ اما ما در نقد عادت کرده‌ایم که فقط ضعف‌های اثری را ببینیم و اشکال تراشی کنیم، درحالی که نقد اصلاً این نیست. در نقد هم باید نقاط قوت برجسته شوند و هم به نقاط ضعف پرداخته





از شعر امروز ایران، مثل کلیت آن در رکود به سر می‌برد. عدم توجه به شعر از سوی نهادهای مختلف باعث شده تا چرخ اقتصادی چاپ و نشر این هنر معیوب شود و شعر امروز ایران به‌ویژه بعد از دهه هفتاد کمتر خوانده می‌شود و این نوعی یأس و سرخوردگی را برای تمام شاعران و به‌ویژه نسل جوان شعر به همراه دارد. شعر جوان کمابیش و در رسانه‌ها و مطبوعات دیده می‌شود و حرکات خوبی هم در آن مشاهده می‌شود؛ ولی جامعه ادبی که امروز در حال شکل‌گیری است، انگار قدری سهل‌انگار شده و خود را از هستی کلان و مطالعه بی‌نیاز می‌بیند؛ یعنی تخریب و عصیان، چه معنایی و چه زبانی، در بیشتر شعرهای جوان امروز دیده می‌شود. شاعران جوان خود را از مطالعه گذشتگان بی‌نیاز می‌بینند و با شعر گذشته مانند عنصر سنتی برخورد می‌کنند که باید تخریب شود؛ درحالی که شاکله روزگار تعیین می‌کند چه چیز اصالت دارد و چه چیزی اصالت ندارد. با نخواندن کسی نمی‌تواند مدعی فضای جدیدی در شعر باشد. اگر قرار است چیزی را قبول نداشته باشیم، باز منوط به این است که پشتوانه فکری و فلسفی داشته باشیم؛ اما شعر جوان بر خود فرض می‌بیند که شعر گذشته را تخریب کند. این موضوع فی‌نفسه مشکلی ندارد؛ ولی مهم این است که شاعر جوان وقتی چیزی را تخریب می‌کند، از جهت فکری و بنیادهای اندیشگی قوی باشد.

علی باباچاهی:

توجه به اقتصاد نشر و الگوهای اجتماعی

به نظر من معرفی شعر جوان مهم‌ترین نکته‌ای است که در زمینه ضرورت توجه به آن می‌توان مورد بررسی قرار داد به عبارتی ابتدا باید دید چه عواملی نقش معرفی‌کننده شعر جوان را می‌توانند بر عهده بگیرند؛ مثلاً مطبوعات. به گمانم در حال حاضر به هر دلیلی نشریاتی که در شکل گاهنامه یا ماهنامه به شعر هم توجه می‌کنند، حالت نوعی جزیره پراکنده را دارند. برخی از این نشریات با تیراژ اندک عرضه می‌شوند و فاقد پشتوانه مالی هستند؛ در نتیجه زود هم تعطیل می‌شوند. البته این موضوع نه در شعر جوان؛ بلکه در داستان، رمان و آثار فلسفی نیز صادق است. مجلات دولتی هم که کم‌وبیش به شعر می‌پردازند، به نظر جواب‌گوی توجه به وضعیت شعر امروز نیستند.

از سوی دیگر نباید پریده‌رنگی یا تفرقه‌ای را که در شعر جوان وجود دارد، به استعداد هنری شاعران نسبت داد. کافی است تا در مشکلاتی که در زمینه توزیع کتاب‌های شعر جوان وجود دارند کمی تأمل کنیم یا مشکلی که در سیستم توزیع و پخش ما وجود دارد، این است که ناشران غالباً شعر شاعران جوان را با هزینه شخصی چاپ می‌کنند و توزیع این کتاب‌ها را به عهده خود

شاعر یا مؤلف می‌گذارند؛ پس مؤلف باید نقش توزیع‌کننده را هم بر عهده بگیرد و فکر می‌کنم نباید این مشکل را دست کم گرفت. همین وضعیت، یعنی نبود توزیع درست کتاب‌ها، خود به تصور نوعی بحران دامن می‌زند و تصور نوعی بحران را در شعر معاصر ایجاد می‌کند. وقتی کتابی به درستی پخش نمی‌شود و به دست خواننده و منتقد نمی‌رسد، طبیعی است که بر کم‌رنگی شعر جوان بی‌تأثیر نیست. چون بیشتر کتاب‌های شعر جوان به دستم می‌رسد، به نظر، بین این دفترها، شعرهای درخشانی دیده می‌شوند و گاه به گونه‌ای است که انعکاس پیدا نکردن ارزش این کتاب‌ها در حوزه‌های فرهنگی باعث تعجب می‌شود. البته در عین حال در اینکه بعضی از ناشران به انتشار سریع کتاب‌های شعر جوان دامن می‌زنند، شکی نیست؛ بدین شکل که برخی از ناشران بدون توجه به وجه کیفی کتاب‌های شعر، با دریافت مبالغی نسبتاً چشمگیر از شاعران جوان، کتابشان را به چاپ می‌رسانند.

اما با همه این حرف‌ها معتقدم شعر امروز و شعر جوان آن‌طور که هست، خوب یا بد، خود را نشان خواهد داد و این گره‌خوردگی صرفاً به حوزه آفرینش شعر مربوط نیست؛ بلکه به حوزه دیگری مثل اقتصاد، پخش و نشر و حتی الگوهای اجتماعی نیز مربوط است. باید دید این گره‌خوردگی‌ها چگونه با یاری مسئولان گشوده خواهند شد.

محمدسعید میرزایی:

زبان فردا

شعر جوان حوزه‌ای است که زبان فردای ما را حفظ می‌کند و با این نگاه باید نگاهی عمیق‌تر به این شعر داشته باشیم. شعر جوان حوزه‌ای است که زبان فارسی را در آینده حفظ خواهد کرد و با این نگاه باید در این زمینه سرمایه‌گذاری و توجه بیشتری داشته باشیم؛ اما متأسفانه با شعر جوان برخورد نسبی می‌شود و این باعث می‌شود که ذوق‌های بلندی برای نسل‌های آینده پرورده نشوند.

بخش زنده شعر امروز ما شعر جوان است، که همه شاعران از این ساحت‌ها عبور کرده‌اند و آنچه که موفق به دستیابی به آن شده‌اند، حاصل تجربیات آن‌ها در مقطع جوانی است.

در شعر جوان امروز ما نمونه‌های خوبی پیدا می‌شوند و این شعر حتماً به آسیب‌شناسی و سرمایه‌گذاری جدی و حمایت نیاز دارد.

اگر می‌خواهیم شعری قوی داشته باشیم، باید به شعر به‌عنوان یک ژانر جدی نگریسته شود، چراکه این شعر می‌تواند زبان فارسی را حفظ کند.

اما درباره نقد به طور کلی در شعر امروز فضای نقد مناسبی وجود ندارد و بسیاری از مجموعه‌هایی که منتشر می‌شوند، قابلیت نقد را دارند؛ اما نقد نمی‌شوند.